

مدیران دفاتر، مراکز آموزشی و ستادی سازمان

در دیدار با رئیس‌جمهوری

گزارش سمینار سراسری سرپرستان دفاتر، مراکز آموزشی و ستادی سازمان

تهران - ۱۸-۲۰ اردیبهشت ۷۳

سمینار سراسری سرپرستان دفاتر و مدیران مراکز آموزشی و ستادی سازمان در روزهای یکشنبه ۱۸ لغایت سه‌شنبه ۲۰ اردیبهشت ۷۳ در شهر تهران برگزار شد. برگزاری این سمینار در آستانه کنکورهای سراسری سازمان جهت گزینش دانش‌آموز برای ۷۱ مدرسه راهنمایی تحصیلی و ۵۲ دبیرستان همراه با طرح مسائل و مشکلات گذشته و موجود و تلاش در جهت رفع مشکلات و معضلات قابل حل با سخنان سرپرست سازمان حجت‌الاسلام دکتر جواد اژه‌ای آغاز گردید. سرپرست سازمان ضمن برشمردن خلاصه‌ای از مسائل مالی و اقدامات انجام شده به تبیین سیاستهای تربیتی سازمان بعنوان یک اصل مهم اشاره و تأکید نمودند:

هرگونه درخواست انتقال دانش‌آموزان به مدارس عادی به علت ضعف درسی از سوی مدیران مراکز آموزشی بایستی با دقت فراوان صورت پذیرد و تهدید به اخراج از مدارس نبایستی ابزاری جهت ایجاد دلهره و اضطراب در دانش‌آموزان مراکز گردد. البته انحراف از معیارهای ارزشی و اخلاقی مقوله‌ای جداگانه است. ما اگر دانش‌آموزی را به یک مدرسه عادی منتقل می‌کنیم، بیشتر و اساساً به خاطر خود اوست تا در فضای متناسب‌تر با وضعیت روحی خود بتواند ادامه تحصیل دهد. از سوی دیگر، اعتقاد نداریم قبولی در کنکور تنها ملاک خلاقیت و آفرینندگی است چه بسیار افراد «خلاق» که از راهیابی به دانشگاه در سالهای اول بازمانده‌اند. بنابراین با توجه به این نکته که در سال تحصیلی ۷۴-۷۳ در ۳۰ دبیرستان سازمان دانش‌آموزان در پایه چهارم دبیرستان مشغول تحصیل خواهند شد، در مورد درخواست انتقال دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان به مدارس عادی نهایت دقت به عمل آید که به عزیزان دانش‌آموز فشار روحی وارد نشود. بنابراین تهدید به اخراج و یا انتقال به مدارس عادی جز براساس ضوابط - که آنهم ضرورتی به تهدید ندارد- بهر عنوان ممنوع می‌باشد و مدیران مراکز بایستی دقت کنند برعلیه دانش‌آموزی توطئه عدم تشویق و تقویت روحی صورت نگیرد.

در روز اول و دوم سمینار سرپرست امور پذیرش و امتحانات، معاون محترم تربیتی سازمان، مدیریت آموزشی، مدیریت پژوهشی، سرپرست مرکز خدمات ماشینی، معاون محترم اداری و مالی، مدیریت مالی، مشاور دانشجویی سرپرست سازمان و همچنین مسئول مرکز مطالعات و خدمات بهداشتی، به گزارش حوزه‌های مرتبط به خود پرداخته و به سؤالات مدیران مراکز پاسخ گفتند.

در روز دوم مدیران، میهمان وزیر محترم آموزش و پرورش و رئیس هیأت امناء سازمان بودند. برادر دکتر نجفی در صحبت‌هایشان (که متأسفانه فکر می‌شد ضبط شده است و بعد معلوم شد چنین نیست) ضمن بیان مشکلات مالی وزارتخانه تأکید نمودند که مدیران کل وزارتخانه در حد توان از مساعدت به مجموعه سازمان دریغ نخواهند ورزید.

در سومین روز سمینار، در ملاقات با ریاست محترم جمهوری و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، سرپرست سازمان گزارشی فشرده از مشکلات و موفقیت‌های مراکز و دانش‌آموزان خدمت رئیس‌جمهور ارائه نمودند. ریاست محترم جمهوری

ضمن خیرمقدم به دیدارکنندگان به طرح مسائل مرتبط با سازمان پرداختند. در نهایت این گزارش به نقل مبسوط سخنان ایشان می‌پردازیم.

سخنان ریاست محترم جمهوری حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی

در جمع مدیران، کارکنان و فارغ‌التحصیلان مراکز

سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان

بسم‌الله الرحمن الرحیم- الحمدلله والسلام علی رسول‌الله و آله. خیلی خوش آمدید. همه خانمها و آقایانی که در این مسئولیت ارزشمند فرهنگی و انسانی و ملی، نیرو مصرف می‌کنید. «استعدادهای درخشان» واقعاً از ذخائر هر ملتی است و شاید باارزشترین ذخیره کشور و مردم و تاریخ. ما چیزی را نمی‌توانیم هم‌سنگ این استعدادها معرفی بکنیم که به عنوان نعمت الهی در انسانها وجود دارد. اصلاً امتیاز ما انسانها از سایر موجودات به همین استعدادهایمان است که یک مجموعه‌ای در وجود ما است. سیستم خاص مادی و معنوی با پیچیدگی بسیار عظیمی که دارد، ابعادش هنوز برای بشریت کشف نشده است. جوهره‌ای به ما داده است که ما را از حیوانات، جمادات و از سایر مخلوقات جدا کرده است.

در سایر بخشها تکاملها محدود و مادی است ولی در «انسان» کمال نامحدود است تا هر جا، راه بطرف خداست که آنهم بینهایت است. همین سرمایه است که حالا موضوع کار شماست. فرض بر این است که بعضی‌ها بهر دلیل استعدادهای قویتری از دیگران دارند حالا می‌تواند علت آن عوامل مادی یا ارثی باشد، می‌تواند هم عوامل دیگری در طول زندگی‌شان اتفاق بیفتد و آنها را قویتر یا ضعیف‌تر کند. بهر حال یک جوهری، یک گوهری در وجود بچه‌های ما هست که بعضی‌هایش خیلی سطح بالاست و ارزش بسیار بالایی دارد، لذا طبیعی است، منطقی نیست که ما اینها را به امید خداوند رها کنیم. البته همینطور که بعضی از آقایان می‌گویند اینها حتی در شرایط طبیعی هم از دیگران جلو می‌افتند، راهشان را بهتر از دیگران پیدا می‌کنند. اگر اینها درست تحت نظارت قرار بگیرند و پرورش داده شوند و هدایت بشوند، موانع کار برطرف بشود به آنها کمک بشود، این استعدادها خیلی بهتر می‌توانند بدرخشند و به نتیجه برسند.

واقعاً غیرمنطقی است که یک ملتی با ادله خاصی- هر چند با بعضی از ارزشها باشد- خودش را از تربیت این استعدادها کنار بکشد. ذخایر باارزشی را رها بکند. اینها هزینه زیادی هم نمی‌برند؛ اینطور نیست که حالا شما یک هزینه‌ای از حق دیگران می‌خواهید بردارید به اینها بدهید آنچه خودشان استحقاق آن را دارند می‌خواهیم به آنها بدهیم. ما مسئولیت پرورش اینها و «نقد کردن» استعدادهایشان را داریم. باید نگذاریم هرز بروند نباید بگذاریم به انحراف کشیده شوند. این استعدادهای خوب اگر به انحراف هم کشیده بشوند از آن طرف خطرناک می‌شوند. به مسیر باطل اگر بیفتند کارهای بزرگ خسران‌آوری می‌کنند.

بنابراین منطقی این کار، کار لازمی بوده است بحمدالله سالها پیش این تصمیم گرفته شده و افتخار آغازش در دولت ما نیست از دولت گذشته است (دولت آقای مهندس موسوی) که این تصمیم را گرفته‌اند البته رشد خوبی در این چهار سال داشته اینطور که در آماری که آقای اژه‌ای فرستاده بودند دیدم بیش از پنج شش برابر از سال ۶۸ تا بحال ما از نظر تعداد دانش‌آموز رشد داشته‌ایم. مثلاً ۲۵۰۰ نفر را دیدم به ۱۶۰۰۰ نفر ظاهراً رسیده است. این نسبت نشان می‌دهد که به این کار توجه شده است. بهر حال هم شما خوب جذب کرده‌اید و هم مردم فهمیده‌اند. امیدواریم «کیفیت» هم به همین گونه باشد. چون کیفیت اندازه‌گیری خیلی آسان نیست- این را (کمیت) خیلی آسان آدم اندازه می‌گیرد- و ما نگذاریم استعدادهای خوب ایرانی ضایع بشود. این نویدی هم که در اظهارات آقای اژه‌ای بود که به نقاط محروم و خانواده‌های محروم توجه شده است، این برای من خیلی خوشحال‌کننده‌تر است، نه از این جهت که استعدادها فرق می‌کند بلکه از این جهت که به غیرمحرومین اگر ما هم نرسیم، بالاخره پدر و مادرشان یک جوری به بچه‌هایشان کمک می‌کنند ولی محرومها ممکن است نتوانند. کارگری که آقای اژه‌ای توصیف کردند، آن کارگر کاری نمی‌تواند برای فرزندش بکند. آن باید نان بیاورد و صبح تا شب کار بکند، نان بخور و نمیری تهیه کند. بلد هم نیست چطور به بچه‌اش برسد، یک فرهنگی، یک معلم، یک مدیر، یک کارمند، بخاطر سطح بالاتر فکری که دارد و دستش هم به جاهای دیگر می‌رسد بیشتر بلد است. بهر حال واقعاً توجه بکنیم این قشر را بیشتر اهمیت بدهیم چون خوف تلف شدن استعدادها در اقشار محروم بیشتر است اگر فرض کنیم که این استعدادها در همه جا هست- که هست- به اندازه‌ای که ما ظرفیت داریم در نقاط محروم هم استعدادهای درخشان پیدا می‌شود. بنابراین حق آنها را هم باید ما ادا بکنیم و نگذاریم که از

دست بروند و نکته ظریف دیگر، این است که استعدادهای درخشان در طبقه محروم اگر گل بکنند تحول زیادی را در اطراف خودش بوجود می آورد آنجا بهر حال نقطه‌ای است که خیلی چیزهایش از «قوه» به «فعل» نرسیده است و وجود یک آدم استثنایی در یک روستا، محله یا خانواده یا در یک دهستان، کار زیادی را می تواند ثمر بدهد بعد از اینکه فرد به موقعیتی که باید برسد، برسد. بهر حال فکر می کنم توجه بسیار خوبی بوده و من هم تأکید می کنم اگر هم هزینه بیشتری یک وقت داشته باشد می ارزد. چون آنها حقشان است قبل از این مسئله هم، حقشان بوده است. این استعدادها اگر هدایت بشوند و از لحاظ اخلاقی و فکری و انتخاب راه درست در زندگی هم حمایت بشوند. چون اگر هدایت اخلاقی و فکری نشوند، صرف علم برای ما الان حلال مسائل نیست جزء حلال مسائل است. اما مجموعه علم و ایمان و صلاحیتهای اخلاقی را که با هم داشته باشیم یک آدم باسواد مبتکر محقق عالقدری که، متدین و دلسوز و انسانی و با روحیات انقلابی و فکر درست در جامعه بوجود بیاید، این مثل خورشیدی است که خیلی جاها را روشن می کند. لذا قطعاً شما در تربیت‌یافتان به این مسائل ارزشی و چیزهای غیر علمی که آنها را ارزشی تعبیر می کنیم. حالا تعبیر ارزشی اینجا خیلی جای روشنی ندارد و تعریف درستی نیست. به مسائل غیر علمی هم حتماً باید توجه بشود. بچه‌ها، نمونه‌های جامعی، شخصیت‌های واقعاً اسلامی آن طوری که اسلام می‌خواهد یک آدم جالب و یک انسان نمونه بار بیایند. اینها هم می‌توانند الگو باشند، مخصوصاً برای نسل جوان.

مالگو خیلی نداریم الگوهایی از این قبیل، یک جوان دانش آموز در محیط دانش آموزی؛ دانشجو در محیط دانشجویی؛ فارغ التحصیلان در محیط کار می‌توانند به دنبال خودشان افراد زیادی را بکشانند. و این کاروان کمال بشری را با خودشان مرتب تقویت کنند.

کار، در همه بخشهای فرهنگی شریف و مقدس است در بعضی جاها درخندگی بیشتری دارد. با اطمینان این کار را شما ادامه بدهید؛ وقت زیادتری. هر چه می‌توانید. برای آن صرف بکنید. این مشکلاتی که آقای اژه‌ای گفتند از لحاظ بودجه من فکر می‌کنم بطور طبیعی هم قابل حل باشد ولی اگر نیازی باشد ما تقویت بکنیم، می‌کنیم تا این کار و حرکتی که شما ایجاد کرده‌اید ضعیف نشود. ما برای شما هم دعا می‌کنیم، هم از کار شما پشتیبانی می‌کنیم و هم آرزو مندیم یک روزی شما شاهد حضور انبوه تربیت شده‌های خودتان در جامعه باشید، و آثار و نتیجه زحماتتان را بطور ملموس در بخشهای مختلف کشور بگیرید. بخصوص بچه‌ها را هدایت کنید که بروند به قلّه عالی برسند. ما الان در دانشگاه‌هایمان و در مقاطع عالی تحصیلیمان، در سطح مطلوب نیستیم. از لحاظ کمی تعداد دانشجو را زیاد کرده ایم. در کاردانی و کارشناسی نسبتاً تعداد زیادی را الان زیر پوشش داریم در کارشناسی ارشد و دکتری. مقاطع تکمیلی بالا. ما خیلی باید جدیتر عمل بکنیم تا اینکه این نیروها را داشته باشیم و نیازهای خودمان را به دانشگاه‌های بزرگ دنیا کم بکنیم و هیچ راهی هم غیر از این نداریم که افراد لایق را بسرعت به مقاطع بالا برسانیم و بعد آنها را به محیطهای آموزشی و تحقیقی خودمان جذب کنیم و آنجاها را تقویت بکنیم. زاینده گی نیروی اساسی برای تربیت نسلهای آینده‌مان. که در این کار سهم زیادی را شما با نیروهایی که در اختیاران قرار گرفته است می‌توانید داشته باشید. امیدواریم بیشتر توفیق پیدا بکنید و خداوند جزای کار شما را در دنیا و آخرت به شما عطا کند.

والسلام علیکم و رحمه الله

- در سالهای ۶۲، ۶۳ و ۱۳۶۴ جمعاً در ۲ مرکز آموزشی تهران از بین ۷۲۳ برگزیده شده مناطق بیست گانه این شهر تنها ۴۹ نفر از مناطق ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۲۰ گزینش شده بودند. درحالیکه این مناطق نزدیک به چهل درصد جامعه دانش آموزی مقطع خود را در تهران تشکیل می‌دادند. درحالیکه در سال ۱۳۶۹ از بین ۳۹۴ پذیرفته شده ۱۴۵ نفر از منطقه محروم تهران بودند.
- در سال ۱۳۷۲ جهت چهارده منطقه شمال تهران ۳۰۶ نفر گزینش شدند در حالیکه برای ۴ مرکز آموزشی در شهری و اسلامشهر (حوزه مناطق جنوبی تهران) از ۱۹۲ نفر دعوت به ثبت نام گردید.
- افتتاح مراکز آموزشی در بندرعباس، شهرکرد، قم، بابل، قائمشهر، زنجان، شاهرود، بجنورد، خرم‌آباد، آبادان و خرمشهر، سنندج و زاهدان و ... در کنار حضور در شهرهای دیگر، سیاست عمده سازمان جهت گزینش دانش آموزان مستعد از قشرهای محروم جامعه می‌باشد.



